

آثار قرب الهی بر زندگی مومنین از دیدگاه علامه طباطبائی^(ره)

سهیلا شاملویی^۱

چکیده:

نوشتار حاضر با عنوان قرب الهی بر زندگی مومنین از دیدگاه علامه طباطبائی با هدف تبیین آثار قرب الهی بر زندگی فردی و اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبائی با روش توصیفی نگاشته شده است. قرب الهی به معنای احاطه خداوند بر وجود و حتی بر درونی‌ترین احساسات و ذهنیات اوست. با احاطه علمی که خداوند به ما دارد و با توجه به بودن ما در قبضه قدرت او تکلیف ما روشن است نه افعال و گفتار ما از او پنهان است نه اندیشه‌ها و نیات و نه حتی وسوسه‌هایی از قلب ما می‌گذرد. از آثار قرب الهی اخلاق‌مداری، عدالت و انصاف، تواضع و فروتنی، محبت و مهربانی، تقویت ایمان، تأمل و تفکر، تزکیه نفس، عدالت‌خواهی و دفاع از حقوق، همکاری و همبستگی اجتماعی، کمک به نیازمندان، تربیت و آموزش، حفاظت از محیط زیست، تقویت احساس مسئولیت نسبت به دیگران، افزایش روحیه ایثار و فداکاری، ترویج فرهنگ خدمت و کمک به دیگران، تقویت روحیه همبستگی و تعاون، افزایش انگیزه برای کسب دانش، ترویج علم و دانش در جامعه، تقویت تفکر و تعقل می‌توان نام برد.

کلیدواژه: آثار، قرب الهی، مومنین، علامه طباطبائی(ره)

^۱. طلبه سطح ۲. مدرسه علمیه عالی حضرت زهرا سلام الله علیها شهرستان دورود

مقدمه

نوشتار حاضر با موضوع آثار تقرب به خدا بر زندگی مؤمنین از دیدگاه علامه طباطبایی و با روش توصیفی و تحلیلی گردآوری شده است. قرب به معنی نزدیکی است و در اصطلاح به معنای نزدیکی و تقرب معنوی بنده به خداوند از طریق معرفت، ایمان و عمل صالح می‌باشد. در آموزه‌های دینی و عرفانی، قرب الهی به عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم مورد توجه قرار می‌گیرد. این مفهوم به معنای نزدیکی و ارتباط عمیق و واقعی با خداوند است که از طریق شناخت و عمل به دستورات او به دست می‌آید علامه طباطبایی، یکی از برجسته‌ترین فیلسوفان و مفسران اسلامی، در آثار خود به بررسی جامع و دقیق تأثیرات قرب الهی بر زندگی مؤمنین پرداخته است. او بر این باور است که نزدیکی به خداوند تأثیرات گسترده و مثبتی بر ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی مؤمنین دارد. در این مقاله، به بررسی دیدگاه‌های علامه طباطبایی درباره تأثیرات قرب الهی بر زندگی مؤمنین، از جمله آرامش و اطمینان قلبی، حس حیات و امیدواری، رشد معنوی و اخلاق‌مداری، احساس مسئولیت اجتماعی، خدمت به خلق و ایثار، و بالندگی علمی و افزایش آگاهی خواهیم پرداخت. این بررسی نشان می‌دهد که چگونه نزدیکی به خداوند می‌تواند به بهبود و تعالی زندگی انسان‌ها منجر شود و آن‌ها را به انسان‌هایی کامل‌تر و جامعه‌ای سالم‌تر و پویاتر تبدیل کند. در جستجوی آثار قرب الهی، اندیشمندان مسلمان بسیاری به تفسیر و تبیین مسیرهای دستیابی به این هدف پرداخته‌اند. مثلاً در قرآن کریم و در کتب روایی به این موضوع پرداخته شده است. به عنوان نمونه، در کتاب "مصابح الشریعه" از امام صادق (ع) و کتاب "نسیم معراج" نوشته مهدی قمی، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های زیادی در این باره نوشته شده است. از جمله می‌توان به مقاله قرب الهی نوشته سمیه وحیدیان اشاره کرد که به این نتیجه رسید که رسیدن به مقام قرب الهی نهایت بندگی است. یا مقاله "پیشگامان

مسیر قرب الهی "نوشته محمدتقی مصباح که تا حد قابل قبولی به این مسئله پرداخته است. اما آنچه در این پژوهش ویژه به آن پرداخته شده است، آثار قرب الهی از منظر علامه طباطبایی است. قرب الهی به معنای نزدیکی مکانی و زمانی نیست؛ بلکه به این معناست که انسان از زشتی و پلیدی به مقامی برسد که مورد عنایت خاص الهی قرار بگیرد. علامه طباطبایی یکی از برجسته‌ترین فیلسوفان و مفسران قرآن در عصر معاصر، با نگاهی عمیق و جامع به تعالیم اسلامی رهیافت‌های نوینی را در تفسیر قرآن و دستیابی به قرب الهی در هفت مرحله ارائه داده است. او نه تنها به عنوان یک متفکر دینی بلکه به عنوان یک عارف و اخلاق‌مدار شناخته شده است که زندگی‌اش نمایانگر عمل به همان اصولی است که وی در تفاسیر خود بیان داشته است.

مفهوم‌شناسی

قرب الهی در لغت و اصطلاح

مفهوم‌شناسی

تعریف قرب الهی: تقرب به معنای نزدیک شدن یا نزدیکی جستن به چیزی یا کسی به صورت مادی یا معنوی و به معنای خویشاوندی و شأن و مرتبت داشتن نزد کسی دانسته شده است. (معین: ۱۳۸۱/۲۳) بنابراین، تقرب در موارد گوناگونی مانند نزدیکی از حیث زمان، مکان، نسبت، منزلت، صفات و... به کار می‌رود (راغب اصفهانی: ۹۶/۱۴۲۳) رسیدن به قرب الهی یک حقیقتی است که باید با معنای آن آشنا شد. در این نوشتار علاوه بر مفهوم قرب الهی، مفاهیم مرتبط با علامه و رسیدن نیز بررسی می‌شوند.

قرب الهی به معنای نزدیکی مکانی و زمانی نیست، نزدیک شدن به خداوند نه به معنای کم شدن فاصله زمانی و نه مکانی است. مثلاً اگر به مکه مکرمه رفتیم، از نظر مکان به خدا نزدیک‌تر نشده‌ایم و یا نیمه شب از نظر زمان به خدا نزدیک‌تر نیستیم؛ زیرا خداوند خود آفریننده زمان و مکان است و محیط بر همه زمان‌ها و مکان‌هاست (مصباح یزدی/۱۳۸۶/۷۶)

علامه در لغت، صیغه مبالغه عربی است به معنای کسی که بسیار می‌داند یا دانشمند و بسیار داناست. از نظر اصطلاحی، علامه از القاب خاصی است که صرفاً به بعضی از دانشمندان برجسته حوزه علوم اسلامی گفته می‌شود.

هرچند به معنی پروفیسور نزدیک است، اما این لقب مانند آیت‌الله از القاب خاص دانشمندان مسلمان در کشورهای فارسی‌زبان، عربی و اردوزبان است. (دهخدا: ۱۳۹۲/۱۲۲) علامه لقب برای دانشمندانی است که در چندین رشته دست داشته و دارای معلومات وسیع بوده و صاحب نظر و تاثیرگذار بوده باشند. این لفظ جز الفاظ رسمی حوزه محسوب می‌شود و تنها به عده‌ای از این دانشمندان این لقب داده می‌شود. (طباطبایی: ۱۳۶۶/۶۹)

علامه طباطبایی، از بزرگان فلسفه و عرفان اسلامی، در آثار خود به تفصیل به موضوع قرب الهی و تأثیرات آن بر زندگی مؤمن پرداخته است. او معتقد است که قرب الهی، یعنی نزدیکی به خداوند از طریق شناخت و عمل به دستورات او، تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر زندگی مؤمن دارد (همان/۹۸) از دیدگاه علامه، این قرب به دو صورت علمی و عملی متجلی می‌شود؛ به این معنا که مؤمن با افزایش معرفت الهی از طریق تفکر و تأمل در آیات الهی و همچنین عمل به دستورات دینی، به قرب الهی دست می‌یابد. (طباطبایی: ۱۳۶۶/۸۹)

علامه طباطبایی بیان می‌کند که قرب علمی، یعنی شناخت عمیق از خداوند و صفات او، موجب می‌شود که مؤمن به درک بهتری از عالم و جایگاه خود در آن برسد. این شناخت باعث می‌شود که مؤمن به وحدت و توحید واقعی پی ببرد و از شرک و دلبستگی به دنیا رها شود. (جوادی آملی: ۱۳۹۲/۴۳) او معتقد است که این نوع قرب به معنای واقعی کلمه، آرامش درونی و اطمینان قلبی را برای مؤمن به ارمغان می‌آورد. مؤمن با دستیابی به این قرب، از اضطراب‌ها و نگرانی‌های دنیوی فارغ می‌شود و به یک ثبات روحی و روانی دست می‌یابد که در مواجهه با مشکلات و چالش‌های زندگی به او کمک می‌کند. (همان/۷۴)

از سوی دیگر، قرب عملی به معنای عمل به دستورات الهی و پیروی از سنت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) است. علامه طباطبایی بر این باور است که این نوع قرب باعث می‌شود که مؤمن در زندگی روزمره خود، رفتار و کردار خود را بر اساس ارزش‌های الهی تنظیم کند. (بهشتی ۱۳۹۱/۷۸) این امر نه تنها باعث سعادت دنیوی مؤمن می‌شود، بلکه او را برای سعادت اخروی نیز آماده می‌سازد. (طباطبایی: ۱۳۶۶/۳۵) عمل به دستورات الهی، مؤمن را از افتادن در دام گناهان و انحرافات نجات می‌دهد و او را به سوی کمال و رشد روحی هدایت می‌کند. (مصباح یزدی: ۱۳۹۸/۸۴)

علامه طباطبایی همچنین به تأثیرات اجتماعی قرب الهی اشاره می‌کند. او معتقد است که مؤمنی که به قرب الهی دست یافته است، در جامعه نیز تأثیرات مثبت بسیاری خواهد داشت. چنین فردی با رفتار و اخلاق نیکوی خود، الگویی برای دیگران خواهد بود و باعث ترویج ارزش‌های الهی در جامعه می‌شود. (خرم‌شاهی/۱۴۰۰/۹۸). این

تأثیرات اجتماعی، موجب بهبود روابط انسانی و افزایش محبت و همبستگی میان افراد جامعه می‌شود. (حسینی: ۱۳۹۴/ ۶۳) از دیدگاه علامه، جامعه‌ای که افراد آن به قرب الهی دست یافته‌اند، جامعه‌ای سالم و پویا خواهد بود که در آن عدالت، انصاف و برادری حاکم است. (بهشتی: ۱۳۹۱/ ۶۷)

طباطبایی همچنین به نقش دعا و عبادت در دستیابی به قرب الهی اشاره می‌کند. او معتقد است که دعا و عبادت، ابزارهایی هستند که مؤمن را به خداوند نزدیک‌تر می‌کنند. (قائمی: ۱۳۹۰/ ۸۷) از طریق دعا، مؤمن می‌تواند ارتباط مستقیم و بی‌واسطه‌ای با خداوند برقرار کند و از او طلب هدایت و کمک کند. عبادت نیز به مؤمن یادآوری می‌کند که هدف اصلی زندگی او، رضای الهی است و او باید تمام تلاش خود را برای رسیدن به این هدف به کار گیرد. (جوادی آملی: ۱۳۹۲/ ۱۲۳) این ارتباط مستمر با خداوند، باعث تقویت ایمان و افزایش عشق و محبت به خداوند در دل مؤمن می‌شود (خرمشاهی، ۱۳۹۰/ ۹۸)

علامه طباطبایی همچنین به تأثیرات اخلاقی قرب الهی اشاره می‌کند. او بر این باور است که مؤمنی که به قرب الهی دست یافته است، دارای اخلاق نیکو و فضایل انسانی بسیاری خواهد بود. (بهاءالدین: ۱۱۱) چنین فردی، راستگو، امانت‌دار، مهربان و بخشنده است و در تمامی امور زندگی خود، به دنبال رضای خداوند و خدمت به خلق خداست (طباطبایی ۱۳۶۶/ ۱۵۶) این اخلاق نیکو، نه تنها باعث سعادت و آرامش خود مؤمن می‌شود، بلکه او را به عنوان یک الگو و مرجع اخلاقی در جامعه مطرح می‌سازد. (طباطبایی ۱۳۶۶/ ۳۲۱) در نهایت، علامه طباطبایی بر این نکته تأکید می‌کند که قرب الهی یک مسیر پایدار و مستمر است که مؤمن باید همواره در آن حرکت کند. (طباطبایی، ۱۳۶۶/ ص ۲۳۴) او معتقد است که هیچگاه نمی‌توان به صورت کامل به خداوند رسید و همواره باید در تلاش برای نزدیکی بیشتر به او بود. (مطهر، ۱۳۹۳/ ص ۷۸) این تلاش مستمر، باعث رشد و تکامل روحی و معنوی مؤمن می‌شود و او را به یک انسان کامل و مطلوب الهی تبدیل می‌کند. از دیدگاه علامه، قرب الهی نه تنها هدف نهایی زندگی مؤمن است، بلکه وسیله‌ای برای دستیابی به تمام سعادت‌ها و کمالات انسانی نیز محسوب می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۶۶/ ص ۲۳۱)

۱- آثار قرب الهی بر آرامش و اطمینان قلب

از دیدگاه علامه طباطبایی، آرامش و اطمینان قلب از جمله مهم‌ترین تأثیرات قرب الهی بر زندگی مؤمنین است. این آرامش و اطمینان نتیجه مستقیم ارتباط عمیق و نزدیک با خداوند و شناخت حقیقی از اوست. علامه معتقد

یکی دیگر از تأثیرات قرب الهی بر زندگی مؤمنین، تقویت روحیه همبستگی و تعاون است. علامه طباطبایی می‌گوید که مؤمنی که به خداوند نزدیک است، به اهمیت همکاری و کمک به دیگران پی می‌برد و سعی می‌کند تا در همه حال، دست یاری به سوی دیگران دراز کند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۸/۱۴۵) این همبستگی و تعاون، باعث ایجاد روابط قوی‌تر و صمیمی‌تر میان افراد جامعه می‌شود و به بهبود وضعیت اجتماعی کمک می‌کند.

جلب رضای الهی

علامه طباطبایی تأکید می‌کند که خدمت به خلق و ایثار، یکی از مهم‌ترین راه‌های جلب رضای الهی است. (طباطبایی، ۱۳۶۶/۳۲۰)

او بیان می‌کند که خداوند به بندگانی که به دیگران خدمت می‌کنند و از خودگذشتگی نشان می‌دهند، پاداش بزرگی می‌دهد. (خرمشاهی، ۱۴۰۰/۲۵۰) این رضایت الهی، باعث افزایش برکت و سعادت در زندگی فردی و اجتماعی مؤمنین می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۶۶/۲۳۱)

از دیدگاه علامه طباطبایی، قرب الهی تأثیرات گسترده و عمیقی بر زندگی مؤمنین دارد که یکی از مهم‌ترین این تأثیرات، بالندگی علمی و افزایش آگاهی است. وی معتقد است که نزدیکی به خداوند، انگیزه‌ای قوی برای کسب دانش و توسعه آگاهی‌های فردی و اجتماعی در مؤمنین ایجاد می‌کند. (همان، ۱۳۹۵/۲۳۵) این تأثیرات باعث می‌شود که فرد در مسیر رشد علمی و معرفتی گام بردارد و به یک انسان کامل‌تر و آگاه‌تر تبدیل شود. (مطهری، ۱۳۹۳/۴۵)

علامه طباطبایی بر این باور است که بالندگی علمی و افزایش آگاهی، از ارکان اساسی سعادت و کمال انسانی است. او بیان می‌کند که قرب الهی، مؤمنین را به سوی جستجوی حقیقت و کسب دانش هدایت می‌کند. از دیدگاه او، علم و معرفت نه تنها ابزارهایی برای درک بهتر جهان و امور دنیوی هستند، بلکه وسیله‌ای برای شناخت عمیق‌تر خداوند و راه‌های قرب به او نیز می‌باشند. (خرمشاهی، ۱۴۰۰/۷۶)

۶- تأثیرات قرب الهی بر بالندگی علمی و آگاهی

افزایش انگیزه برای کسب دانش

علامه طباطبایی معتقد است که نزدیکی به خداوند، مؤمنین را به کسب دانش و تحصیل علم ترغیب می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۶۶/۹۸) او بیان می‌کند که ایمان به خداوند و شناخت او، انگیزه‌ای قوی برای جستجوی حقیقت و افزایش آگاهی‌های علمی و معرفتی فراهم می‌آورد. (مصطفوی، ۱۴۰۲ق/۲۳۰) این انگیزه باعث می‌شود که مؤمنین با اشتیاق و علاقه بیشتری به مطالعه و تحقیق بپردازند و در زمینه‌های مختلف علمی و دینی پیشرفت کنند. (خرمشاهی، ۱۴۰۰/۳۴۵)

تقویت تفکر و تعقل

علامه طباطبایی تأکید می‌کند که قرب الهی، مؤمنین را به تفکر و تعقل در مسائل دینی و دنیوی وادار می‌کند. (مطهری، ۱۳۹۳/۱۱۱) او معتقد است که نزدیکی به خداوند، باعث افزایش توانایی‌های فکری و عقلانی فرد می‌شود و او را به تحلیل و بررسی دقیق‌تر مسائل و پدیده‌ها تشویق می‌کند. این نوع تفکر و تعقل، باعث می‌شود که مؤمنین به درک عمیق‌تری از جهان و نقش خود در آن برسند. (طباطبایی، ۱۳۶۶/۲۳۰-۴۵)

ترویج علم و دانش در جامعه

علامه طباطبایی بر این باور است که قرب الهی، مؤمنین را به ترویج علم و دانش در جامعه ترغیب می‌کند. (قائمی، ۱۳۹۰/۱۱۲) او بیان می‌کند که فردی که به خداوند نزدیک است، تلاش می‌کند تا دانش و آگاهی‌های خود را با دیگران به اشتراک بگذارد و به آموزش و تربیت نسل‌های آینده بپردازد. (طباطبایی، ۱۳۶۶/۲۳۴) این ترویج علم، باعث افزایش سطح آگاهی و دانش در جامعه می‌شود و به پیشرفت و توسعه آن کمک می‌کند. (خرمشاهی، ۱۴۰۰/۴۱)

یکی دیگر از تأثیرات قرب الهی بر بالندگی علمی، ایجاد تعهد اخلاقی در تحقیقات و فعالیت‌های علمی است. علامه طباطبایی معتقد است که نزدیکی به خداوند، باعث می‌شود که مؤمنین در کارهای علمی خود، اصول اخلاقی و دینی را رعایت کنند و از هر گونه تقلب و نادرستی پرهیز کنند. (مصطفوی، ۱۴۰۲ق/۲۳۰) این تعهد اخلاقی، باعث افزایش اعتماد و اعتبار علمی و همچنین پیشرفت سالم و مستدام در علوم مختلف می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۶۶/۶۵)

درک عمیق تر از مسائل دینی

علامه طباطبائی بیان می کند که قرب الهی، مؤمنین را به درک عمیق تری از مسائل و مفاهیم دینی هدایت می کند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۸/ ۲۴۵) او معتقد است که این نزدیکی به خداوند، باعث می شود که فرد با نگاه دقیق تر و علمی تری به دین و آموزه های آن بنگرد و بتواند ارتباط بهتری بین علم و دین برقرار کند. (طباطبائی، ۱۳۶۶/ ۱۴۵) این درک عمیق تر از مسائل دینی، باعث می شود که مؤمنین بتوانند دین خود را به شکل صحیح تری عمل کنند و دیگران را نیز به سوی این فهم صحیح هدایت کنند. (مطهری، ۱۳۹۳/ ۱۲۳)

نتیجه گیری

نتیجه گیری کلی از مطالب بیان شده درباره تأثیرات قرب الهی بر زندگی مؤمنین از دیدگاه علامه طباطبائی به شرح زیر است: علامه طباطبائی معتقد است که قرب الهی، یعنی نزدیکی به خداوند از طریق شناخت و عمل به دستورات او، تأثیرات گسترده و عمیقی بر زندگی مؤمنین دارد این تأثیرات شامل افزایش آرامش و اطمینان قلبی، تقویت حس حیات و امیدواری، رشد معنوی و اخلاق مداری، احساس مسئولیت اجتماعی، تقویت روحیه خدمت به خلق و ایثار، و بالندگی علمی و افزایش آگاهی است آرامش و اطمینان قلبی: نزدیکی به خداوند باعث می شود که مؤمنین از اضطراب ها و نگرانی های دنیوی رها شده و به یک ثبات روحی و روانی دست یابند که در مواجهه با مشکلات زندگی به آنها کمک می کند حیات و امیدواری: قرب الهی، مؤمنین را به درک عمیق تری از معنای زندگی و هدف نهایی آن می رساند، که این درک باعث افزایش امید و انگیزه برای مواجهه با چالش های زندگی می شود رشد معنوی و اخلاق مداری: نزدیکی به خداوند باعث تقویت فضایل اخلاقی مانند صداقت، عدالت، محبت و تواضع در مؤمنین می شود و آنها را به سوی کمال انسانی هدایت می کند. احساس مسئولیت اجتماعی: قرب الهی، مؤمنین را به مسئولیت پذیری در قبال جامعه و تلاش برای بهبود وضعیت آن ترغیب می کند، از جمله

در زمینه‌هایی مانند عدالت اجتماعی، کمک به نیازمندان و حفاظت از محیط زیست خدمت به خلق و ایثار: نزدیکی به خداوند، روحیه خدمت به دیگران و ایثار را در مؤمنین تقویت می‌کند و آن‌ها را به انجام اعمال خیر و کمک به دیگران ترغیب می‌کند. بالندگی علمی و آگاهی: قرب الهی، انگیزه‌ای قوی برای کسب دانش و توسعه آگاهی‌های فردی و اجتماعی در مؤمنین ایجاد می‌کند و آن‌ها را به تفکر، تعقل و ترویج علم در جامعه هدایت می‌کند. در مجموع، علامه طباطبایی بر این باور است که قرب الهی نه تنها باعث سعادت دنیوی و اخروی فرد می‌شود، بلکه به بهبود روابط اجتماعی و ایجاد یک جامعه سالم، پویا و اخلاق‌مدار نیز کمک می‌کند (طباطبایی، ۱۳۶۶). این نزدیکی به خداوند، مؤمنین را به انسان‌هایی کامل‌تر، آگاه‌تر و مسئول‌تر تبدیل می‌کند که به دنبال رضای الهی و خدمت به خلق خدا هستند.

منابع

* قرآن

* نهج البلاغه

* صحیفه سجادیه، امام علی بن الحسین علیه السلام، قم، نشر الهادی، ۱۳۷۶ ش.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
۲. بحرانی، یوسف بن احمد، الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، مصحح محمدتقی ایروانی - سید ۳ - عبدالرزاق مقرر، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ ق.
۳. تهانوی، محمدعلی، موسوعه کشاف اصطلاحات الفنون والعلوم، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۶ م.
۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، لبنان - سوریه، دار العلم - الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۶. رجالی، علیرضا، فرشتگان (تحقیق قرآنی، روایی و عقلی، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۷۶ ش.
۷. صدوق، محمد بن علی، الخصال، مصحح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۸. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.

۹. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مصحح محمد باقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیا التراث العربی، بی تا.
۱۳. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیا التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۴. کفعمی، ابراهیم بن علی، المصباح، قم، دار الرضی، ۱۴۰۵ق.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۶. مصباح یزدی، محمد تقی، فلسفه اخلاق، تهران، انتشارات روزنامه اطلاعات، ۱۳۸۱ش.
۱۷. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز الکتاب للترجمه و النشر، ۱۴۰۲ق.
۱۸. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۳، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۹ش.
۱۹. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۷ش.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب العلمیه، ۱۳۷۱ش.
۲۱. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، مصحح محمد خواجوی، قم، بیدار، ۱۳۶۱ش.
۲۲. نشریه معرفت مؤسسه آموزشی معرفت پژوهشی امام خمینی ره جلد ۱